

## جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی و شیوه نام‌گذاری وزنها

علی اصغر قهرمانی مقبل (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، گروه زبان و ادبیات عربی)

### چکیده

طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی از مهم‌ترین مسائل عروض و اساسی‌ترین مشغله‌های علمای عروض جدید فارسی بوده است. ما در این مقاله پس از تبیین روش خلیل‌بن احمد در طبقه‌بندی وزن‌های شعر عربی و بیان کارآمدی آن، در تکمیل تلاش‌های عروضیان معاصر فارسی، با تلفیق روش ال‌ول ساتن و نجفی، «جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» را طراحی و ارائه کرده‌ایم. این جدول طبقه‌بندی، شامل ۱۱ رشته وزنی است که ۹ رشته نخست، خانواده‌های وزنی متفق‌الارکان و رشته‌های وزنی ۱۰ و ۱۱ خانواده‌های وزنی متناوب‌الارکان (دایره نجفی) را دربرمی‌گیرد، به طوری که جدول مذکور ۵۲ خانواده وزنی در خود جای داده است. در این مقاله همچنین علاوه بر ارائه فرمول برای وزن‌های مستخرج از جدول طبقه‌بندی، روش جدیدی برای نام‌گذاری وزن‌ها ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** عروض فارسی، جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، نام‌گذاری وزن‌ها، وزن دوری، قاعده تفرع وزنی.

## مقدمه

باتوجه به تعدد و تنوع وزن‌های شعر عربی و فارسی، ضرورت طبقه‌بندی این وزن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. از سوی دیگر از آنجاکه شمار وزن‌های شعر فارسی چندین برابر وزن‌های شعر عربی است، طبقه‌بندی آنها از یک سو ضروری‌تر و از سوی دیگر دشوارتر خواهد بود. جالب‌توجه اینکه در عروض سنتی فارسی، برخلاف عروض عربی، به این موضوع توجه چندانی نشده است. اما خوشبختانه در عروض جدید فارسی این مسئله محل توجه فراوان بوده است.

در مسئله طبقه‌بندی وزن‌ها، نجفی در میان عروض دانان معاصر از دو جهت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است: نخست اینکه در نقد روش عروضیان پیشین کوشش فراوان به عمل آورده است؛ دوم اینکه او خود بنیان‌گذار روش نوینی در طبقه‌بندی وزن‌هاست. با این حال، به گمان ما، در کار او نیز اشکالاتی دیده می‌شود. ما در این جستار، در تکمیل کار نجفی، «جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» را طراحی و عرضه کرده‌ایم.

## پیشینه پژوهش

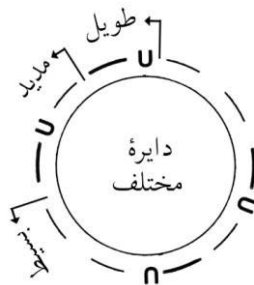
تلاش برای طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد. ما در این مقاله ابتدا به تبیین روش خلیل بن احمد، بنیان‌گذار علم عروض عربی، در طبقه‌بندی وزن‌های شعر عربی می‌پردازیم؛ سپس به اختصار به تلاش‌های علمای عروض فارسی، یعنی پرویز ناتل خانلری و مسعود فرزاد و الول ساتن و ابوالحسن نجفی، اشاره می‌کنیم.

## ۱- روش خلیل بن احمد

عروضیان پیشین فارسی کوشیده‌اند تا جایی که ممکن بوده است عروض فارسی را بر پایه عروض عربی پی‌ریزی کنند، حتی به تقلید از عروض عربی، در عروض فارسی طرح مسئله کرده‌اند و مسائل عروض فارسی را بنیاد نهاده‌اند. برای مثال، سبب و وتد را وارد عروض فارسی کرده‌اند بی‌آنکه این امر متناسب با آن باشد. از سوی دیگر درباره مسائلی چون وزن دوری سخنی نگفته‌اند، زیرا در عروض عربی چنین وزنی اساساً وجود ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد که در برخی مسائل روح حاکم بر عروض عربی، از جمله طبقه‌بندی وزن‌ها، را درنیافته‌اند.

علم عروضی که خلیل‌بن احمد بنا نهاده، نظامی کارآمد و یکپارچه بوده است، چنان‌که هنوز هم پاسخگوی اغلب مسائل وزن شعر عربی است. یکی از مسائلی که خلیل به آن توجه ویژه نشان داده است طبقه‌بندی وزن‌های شعر عربی است.

خلیل با وضع دایره‌های عروضی دو هدف را دنبال کرده است: نخست تمیز سبب از وتد که اساس عروض عربی بر آن است؛ دوم، طبقه‌بندی وزن‌ها. او پنج دایره بنا نهاده و پانزده بحر از آنها استخراج کرده است. هر دایره‌ای بحرهایی را در خود جمع کرده که از نظر چینش اسباب و اوتاد همانندند و تنها تفاوت آنها در نقطه آغازشان در دایره است که در عروض عربی، **فک بحر** نامیده می‌شود. برای مثال، در دایره اول



بحرهایی از دایره قابل استخراج‌اند که دو شرط داشته باشند: نخست اینکه از ابتدای وتد یا ابتدای سبب آغاز شده باشند؛ به طوری که هیچ بحری از هجای دوم وتد آغاز نشود. که این اساسی‌ترین مسئله فک بحر در عروض عربی است؛ دوم اینکه بحر به دست آمده شاهد شعری در میان اشعار شاعران داشته باشد. در صورتی که قاعده فک رعایت شود و بحر به دست آید که شاهد شعری برای آن یافت نشود، به آن **بحر مهمل** گویند مانند «مفاعیلن فعولن مفاعیلن فعولن» که مقلوب طویل است و برخی آن را **بحر مستطیل** نامیده‌اند (یعقوب، ۱۹۹۱: ۱۳۷-۱۳۸).

هر بحر مستخرج از دایره، شکل نظری آن بحر است و وزن‌های مستعمل از یک بحر با آن سنجیده می‌شوند. رکن پایانی مصراع اول (عروض) و رکن پایانی مصراع دوم (ضرب) نقشی اساسی در تعیین وزن‌های یک بحر دارند و هر وزنی با این دو رکن معرفی

و نام‌گذاری می‌شود. به همین دلیل خلیل به درستی واحد وزن در شعر عربی را نه مصراع بلکه بیت دانسته است. برای مثال، از بحر طویل (نخستین بحر مستخرج از دایره اول) سه وزن زیر مستعمل است:

(۱) طویل مقبوض العروض تام الضرب:

فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن      فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن

(۲) طویل مقبوض العروض مقبوض الضرب:

فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن      فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن

(۳) طویل مقبوض العروض محذوف الضرب:

فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن      فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن

روش خلیل در طبقه‌بندی وزن‌های شعر عربی چنان پذیرش عام یافته است که حتی ترتیب دایره‌های خلیلی، که یک امر قراردادی در نزد اغلب عروضیان پس از اوست، بدون تغییر پذیرفته شده است. برای مثال، اگر در یک کتاب عروضی گفته شود بحر پنجم، منظور بحر کامل است؛ دومین بحر از دومین دایره.

بحرهای خلیلی در یک نگاه:

- دایره اول: ۱. طویل، ۲. مدید، ۳. بسیط.
- دایره دوم: ۴. وافر، ۵. کامل.
- دایره سوم: ۶. هزج، ۷. رجز، ۸. رمل.
- دایره چهارم: ۹. سریع، ۱۰. منسرح، ۱۱. خفیف، ۱۲. مضارع، ۱۳. مقتضب، ۱۴. مجتث.
- دایره پنجم: ۱۵. متقارب

قابل ذکر است که خلیل بحر متدارک را بحر مهمل دانسته است اما پس از او آن را بحر شانزدهم به شمار آورده‌اند (نک. قهرمانی مقبل، ۱۳۸۹).

اما ایرادی که بر روش خلیل در طبقه‌بندی وارد است این است که روش او برای وزن‌هایی که پس از خلیل به وجود آمده‌اند و در ضمن دایره‌ها نمی‌گنجند پاسخگو نیست. برای مثال، وزن رباعی از فارسی به عربی رفته و بر آن شعر گفته شده و به صورت «فعلن متفاعلن فعولن فعلن» رکن‌بندی شده است اما در هیچ‌یک از دایره‌های خلیل نمی‌گنجد. از

عجایب عروض فارسی یکی این است که همین وزن را، که در عروض عربی خارج از بحرهای خلیلی معرفی شده، به لطایف‌الخیلی در ضمن بحر هزج گنجانده‌اند و برای آن دو شجرهٔ اُخرب و اُخرم ترسیم کرده‌اند!

هدف ما از بیان طبقه‌بندی وزن‌های شعر عربی جلوگیری از یک تصوّر نادرست است. ابوالحسن نجفی (۱۳۹۷) در مقالهٔ مفصّل و ارزشمند خود «دربارهٔ طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی» از نقد عروض سنتی فارسی آغاز کرده و آشفتگی‌های آن را شرح داده است؛ شرح او ممکن است این تصوّر را ایجاد کند که منشأ این آشفتگی‌ها عروض عربی بوده و از آنجا به عروض سنتی منتقل شده است. حال آنکه، چنان‌که دیدیم عروض خلیل در طبقه‌بندی وزن‌ها رُوْش‌مند و کارآمد بوده و هست و عروضیان پیشین ما بوده‌اند که نتوانسته‌اند روح عروض عربی را دریابند و با تقلید ناشیانه، انبوهی از مشکلات و ناکارمندی‌ها را در علم عروض فارسی پدید آورده‌اند.

## ۲- روش الول ساتن و نجفی در طبقه‌بندی وزن‌ها

اصولاً دغدغهٔ جدی برای طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، با عروض جدید و خانلری آغاز شده است. خانلری برای طبقه‌بندی، از دایره‌ها و به تعبیر خودش از سلسله‌ها بهره برده است. او با مستثنی کردن رباعی، ۱۴۵ وزن را در ۵۵ بحر و در ۱۳ دایره قرار داده است. پس از خانلری، مسعود فرزاد با جدیت تمام کوشیده است از طریق سامان دادن به رکن‌های عروضی، به طبقه‌بندی وزن‌ها سامان بدهد. پس از فرزاد، الول ساتن در مسیر طبقه‌بندی وزن‌ها گام‌های بلندی برداشته است. او، برخلاف فرزاد، رکن‌های عروضی را به‌کلی کنار گذاشته و با رسم جدولی، وزن‌ها را بر اساس ترتیب و تعداد هجاها در ۱۴ گروه (۵ گروه باقاعده و ۹ گروه بی‌قاعده) طبقه‌بندی کرده است. از آنجاکه در این مقاله از روش الول ساتن بهره برده ایم، برای مقایسهٔ روش او با جدول پیشنهادی ما، جدول او را عیناً در زیر می‌آوریم (Elwell- Sutton, 1976: 87):

		1.	2.	3.	4.	5.	6.	7.	8.	
<b>Regular</b>	1.	U	-	-	U	-	-	.....		
(باقاعده)	2.	U	-	-	-	U	-	-	-	.....
	3.	U	U	-	-	U	U	-	-	.....
	4.	U	-	U	-	U	U	-	-	.....
	5.	-	-	U	U	-	U	-	U	.....
<b>Irregular</b>	6.	U	-	U	-	U	-	U	-	.....
(بی‌قاعده)	7.	U	-	U	-	-	.....			
	8.	U	-	U	-	-	-	.....		
	9.	U	-	-	U	-	-	U	-	.....
	10.	U	-	-	-	U	-	-	.....	
	11.	U	-	-	-	-	U	-	-	.....
	12.	U	-	-	U	-	U	U	-	.....
	13.	-	-	U	U	-	-	-	U	.....
	14.	U	-	-	-	U	-	U	U	- .....

اما به یقین می‌توان گفت که در میان عروضیان معاصر فارسی ابوالحسن نجفی بیش از همه دغدغه طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی را داشته است. مقاله مفصل و بسیار دقیق او در (فروردین ۱۳۵۹) با عنوان «درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی: بحث روش» از این دغدغه بزرگ و تأملات طولانی او در این باره حکایت می‌کند. نجفی در مقاله مذکور، علاوه بر روش عروضیان سنتی فارسی، روش عروضیان معاصر یعنی خانلری و فرزاد و الول ساتن، را نیز شرح و نقد می‌کند. همچنین در همین مقاله، برای نخستین بار به تفصیل به وزن‌های دوری در شعر فارسی می‌پردازد که کوششی است راهگشا، زیرا عدم شناخت این وزن‌ها، باعث ایجاد مشکلات و ناهمواری‌های زیادی در طبقه‌بندی می‌شود. سرانجام اینکه نجفی در سال (۱۳۸۶) در یک سخنرانی، از یافته‌های جدید خود در خصوص طبقه‌بندی، به‌ویژه از دایره عروضی خود، پرده برمی‌دارد.

نجفی نیز مانند اغلب عروضیان معاصر، وزن‌های شعر فارسی را دو گروه می‌داند: «گروه وزن‌های متفق‌الارکان و گروه وزن‌های متناوب‌الارکان. گروه اول متشکل از سه دسته

با رکن‌های سه‌هجایی و چهارهجایی و پنج‌هجایی است و گروه دوم متشکل از دو دسته با رکن‌های چهارهجایی» (نجفی، ۱۳۹۴: ۱۶۳). نجفی برای گروه اول، به تعیین رکن‌ها اکتفا کرده است، به طوری که با تکرار این رکن‌ها خانواده‌های وزنی متفوق‌الارکان مشخص می‌شود. او ابتدا ۲۳ رکن عروضی ذکر کرده است (نک. همان، ۱۳۸۷: ۱۲۶) که در جدول زیر می‌بینیم:

نوع رکن	ترکیب هجایی	رکن‌ها
رکن‌های سه هجایی (۶ رکن)	یک کوتاه و دو بلند	فعلون، فاعلن، مفعولُ
	دو کوتاه و یک بلند	فعلِن، فِعولُ، فاعِلُ
رکن‌های چهارهجایی (۹ رکن)	یک کوتاه و سه بلند	مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعلن
	دو کوتاه و دو بلند	فعلاتن، مفاعیلُ مستفعلُ، مفاعِلن، فاعلاتُ، مفتعلن
رکن‌های پنج هجایی (۸ رکن)	دو کوتاه و سه بلند	فعلیياتن، مفتعلاتن، مستفعلتن، مفاعلاتن، مفاعیلتن، مستفاعلن
	سه کوتاه و دو بلند	متفاعلن، مفاعلتن

نجفی بعدها سه رکن دیگر را به ۲۳ رکن افزود: یک رکن چهارهجایی یعنی مفعولات که درباره آن متذکر شد «این رکن به صورت مکرر در شعر فارسی نامستعمل است، ولی به صورت منفرد ممکن است به کار رود» (همان، ۱۳۹۴: ۱۶۴)؛ همچنین دو رکن پنج هجایی مرکب از یک کوتاه و چهار بلند: فاعلییاتن و مستفعلاتن (همان، ۱۳۹۴: ۱۶۵). به این ترتیب، بر اساس نظر نجفی از این رکن‌ها، بدون احتساب مفعولات، ۲۵ خانواده وزنی متفوق‌الارکان شکل می‌گیرد، که با تکرار هر کدام از این رکن‌ها، یک خانواده وزنی تشکیل می‌شود. البته با توجه به کتاب طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی معلوم می‌شود که نجفی برای برخی از وزن‌های دارای شواهد تک‌بیتی، که اغلب از کتاب‌های عروضی استخراج شده‌اند، رکن‌های دیگری را هم، که در آثار دیگر خود ذکر نکرده بود و اغلب آنها پنج‌هجایی‌اند

(مانند: مستفعلات<sup>۱</sup> [نجفی، ۱۳۹۷: ۲۲۱]، فاعلیات<sup>۲</sup> [همان: ۲۳۴]، فاعلاتک<sup>۳</sup> [همان: ۲۵۳]، مفتعلات<sup>۴</sup> [همان: ۲۵۴]، مفاعلات<sup>۵</sup> [همان: ۲۵۵]) به جمع رکن‌های عروضی خود افزوده است. شایسته ذکر است که اکثر شواهد شعری برای خانواده‌های وزنی متشکل از این رکن‌ها، وزن‌های دوری هستند.

شاید چنین به نظر برسد که شناخت وزن‌هایی که با تکرار یک رکن به دست می‌آیند چندان دشوار نباشد، ولی این وزن‌های متفق‌الارکان علاوه بر رکن‌بندی صحیح، مستلزم ساماندهی است تا جایگاه هریک از این وزن‌ها در نظام طبقه‌بندی مشخص گردد. عروض سنتی به دلیل آشفتگی در رکن‌بندی، در این باره چندان موفق عمل نکرده است و عروضیان معاصر پیش از نجفی نیز تنها به موفقیت نسبی دست یافته‌اند. اما در روش نجفی نیز در این خصوص آشفتگی‌هایی دیده می‌شود.

برای گروه دوم، یعنی وزن‌های متناوب‌الارکان، برای نخستین بار نجفی دایره‌ای را معرفی کرد که وزن‌های متناوب‌الارکان و مطبوع فارسی از آن قابل استخراج است. پیش از آن، برای این وزن‌ها، قاعده خاصی تعریف نشده بود. نجفی با ارائه این دایره توانست شاهد نسبتاً دقیقی برای این سخن ابن‌سینا (۱۹۵۶: ۹۲) که «کل مطبوع موزون و لیس کل موزون مطبوعاً» ارائه دهد. بر اساس کتاب اخیر ابوالحسن نجفی، طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، که به کوشش امید طبیب‌زاده در سال (۱۳۹۷) منتشر شده است، الگوی نجفی در طبقه‌بندی وزن‌ها به این صورت است که وی ابتدا تمامی وزن‌ها را به دو گروه وزن‌های «متفق‌الارکان» و «متناوب‌الارکان» تقسیم می‌کند (هر رکن عروضی در گروه وزن‌های متفق‌الارکان، یک بحر [خانواده وزنی] را تشکیل می‌دهد که شامل چندین وزن است). نجفی وزن‌های متفق‌الارکان را از حیث تعداد هجاهای رکن‌های آنها به سه دسته رکن‌های سه‌هجایی و چهارهجایی و پنج‌هجایی تقسیم می‌کند که هر دسته بر اساس تعداد هجاهای کوتاه و بلند به چند رده تقسیم می‌شود و هر رده نیز شامل چند بحر (خانواده وزنی) خواهد بود. برای مثال، بحر فاعلاتن، بحر دوم از رده یک‌هجای کوتاه و سه بلند، دسته رکن‌های چهارهجایی از گروه وزن‌های متفق‌الارکان است. نجفی در این گروه، برای طبقه‌بندی از



شماره‌گذاری استفاده نکرده است.

روش نجفی در گروه دوم، یعنی وزن‌های متناوب‌الارکان یا همان وزن‌های دایره، به این صورت است که این گروه را به دو دسته مستقیم‌دایره و معکوس‌دایره تقسیم می‌کند؛ به این ترتیب، از هر دسته، مستقیماً ۸ بحر به دست می‌آید و از رده خبری نیست. نجفی ۸ بحر نخست را از ۱ تا ۸ و بحرهای معکوس‌دایره را از ۹ تا ۱۶ شماره‌گذاری کرده است. بحرهای مستقیم‌دایره با «۱. فعلاتن مفاعلن»، و بحرهای معکوس‌دایره نیز با «۹. فعلات فاعلاتن» آغاز می‌شود. اما نجفی پیش‌ازین، بحرهای این دایره — خواه مستقیم‌دایره و خواه معکوس آن — را از نقطه دیگری آغاز کرده بود؛ به طوری که نخستین بحر مستقیم‌دایره را «مفاعلن فعلاتن»، و نخستین بحر معکوس‌دایره را «مفاعلن مفتعلن» در نظر گرفته بود (نجفی، ۱۳۹۴: ۱۶۶).

با تمامی زحماتی که نجفی برای سامان دادن به طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی کشیده است، هنوز برخی نواقص جزئی در کار او دیده می‌شود. برای مثال، نجفی در استخراج رکن‌ها، دو نوع رکن چهارهجایی متفاوت را خلط کرده و در کنار یکدیگر آورده است. همچنین دو نوع رکن پنج‌هجایی متفاوت را نیز با هم درآمیخته است. همان‌طور که پیش‌ازین آوردیم نجفی رکن‌های چهارهجایی متشکل از دو کوتاه و دو بلند، را با هم آورده است. حال آنکه تفکیک آنها به صورت زیر صحیح‌تر به نظر می‌رسد:

— رکن‌های چهارهجایی متشکل از دو کوتاه و دو بلند متوالی: فعلاتن، مفاعیل، مستفعل، مفتعلن<sup>۱</sup>.

— رکن‌های چهارهجایی متشکل از دو کوتاه و دو بلند متناوب: مفاعلن، فاعلات.

رکن‌های پنج‌هجایی متشکل از دو کوتاه و سه بلند نیز، به دو دسته قابل تقسیم است:

— رکن‌های پنج‌هجایی متشکل از دو کوتاه متوالی و سه بلند: فعلیاتن، مستفعلن، مفتعلن.

— رکن‌های پنج‌هجایی متشکل از دو کوتاه متناوب و سه بلند: مفاعلاتن، مفاعیلتن، مستفعلن.

---

۱. ممکن است این التباس پیش‌آید که در رکن مفتعلن، دو هجای بلند متوالی وجود ندارد، همچنان‌که در مفاعیل، دو هجای کوتاه متوالی دیده نمی‌شود. ولی اگر ترتیب هجایی دو کوتاه و دو بلند متوالی (... - U U - ...) نه به صورت خطی، بلکه به صورت دایره نوشته شود، چهار رکن مذکور تنها در هجای آغازین با یکدیگر متفاوت خواهند بود و توالی دو هجای کوتاه و دو هجای بلند در تمامی این چهار رکن، ملاحظه خواهد شد.

### ۳- جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی و مختصات آن

نجفی (۱۳۹۴: ۱۲-۱۳) برای هر طبقه‌بندی معتبری سه شرط قائل شده است: ۱. سهولت مراجعه، ۲. تعیین سلسله مراتب واحدها، ۳. پیش‌بینی واقعیت‌های آینده. سپس ذکر می‌کند که «جدول مندلیف در علوم فیزیک و شیمی نمونه‌اعلای این سه شرط است» (نجفی، ۱۳۹۴: ۱۳). ما در اینجا با تلفیق روش نجفی و الول ساتن کوشیده‌ایم خانواده‌های وزنی شعر فارسی را در یک جدول قرار دهیم. چنان‌که می‌بینیم سه شرط نجفی در آن به‌وضوح دیده می‌شود. البته نباید فراموش کنیم که وضع قواعد برای مباحثی چون شعر که از ذوق بشری سرچشمه می‌گیرد با وضع قواعد برای علوم محض مانند شیمی متفاوت است و خواه ناخواه نباید توقع داشته باشیم که در علوم ادبی به قواعدی صددرصد قاطع با مرزهای کاملاً مشخص دست یابیم.

#### جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی

هجای آغازین خانواده وزنی									رشته
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	وزنی	
				...	-	-	U	۱.	
				...	-	U*	U	۲.	
			...	-	-	-	U	۳.	
			...	-	-	U	U	۴.	
			...	-	U	-	U*	۵.	
		...	-	-	-	-	U	۶.	
		...	-	-	-	U	U	۷.	
		...	-	-	U	-	U*	۸.	
		...	-	U	-	U*	U	۹.	
...	-	U*	-	U*	-	-	U	۱۰.	
...	-	-	U	-	U*	-	U*	۱۱.	

در این جدول، دو رشته وزنی سه‌هجایی و سه رشته چهارهجایی و چهار رشته پنج‌هجایی

آمده است که تمامی خانواده‌های وزنی متفق‌الارکان از این ۹ رشته وزنی استخراج می‌شوند. رشته‌های ۱۰ و ۱۱ نیز شامل خانواده‌های وزنی متناوب‌الارکان هستند، به طوری که رشته ۱۰ مطابق با دایره نجفی (۱)، یعنی خلاف حرکت عقربه‌های ساعت و رشته ۱۱ مطابق با دایره نجفی (۲)، یعنی موافق حرکت عقربه‌های ساعت است. برای تنظیم جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، نکات زیر مورد توجه بوده است:

(۱) هر رشته وزنی شامل چند خانواده وزنی است. ردیف عمودی بیانگر تعداد رشته‌های وزنی است و برای استخراج خانواده‌های وزنی هر رشته، کافی است هجای آغازین آن، از ردیف افقی مشخص گردد.

(۲) ترجیح رشته بر دایره از آن جهت است که هر خانواده وزنی در دایره نقطه پایانی دارد که به نوعی بیانگر طولانی‌ترین مصراع برای آن خانواده وزنی است و معمولاً شامل چهار رکن می‌شود. اما گاهی یک وزن از نظر طول از دایره فراتر می‌رود. در این صورت این تصور ایجاد می‌شود که باید آن وزن را در یک خانواده وزنی جدید گنجانند، درحالی که در رشته این محدودیت وجود ندارد. همچنین ترجیح رشته بر دایره به معنای رد دایره نیست، چنان‌که برای هر کدام از این رشته‌ها می‌توان دایره معادل آن را ترسیم کرد.

(۳) در ترتیب رشته‌های وزنی در جدول، ملاک‌های زیر رعایت شده است:  
الف) نخستین ملاک در ترتیب رشته‌ها، تعداد هجاها (از کمتر به بیشتر) بوده است. از این رو، رشته‌ها به صورت سه‌هجایی و چهارهجایی و پنج‌هجایی و هشت‌هجایی مرتب شده‌اند. توضیح اینکه، برای مثال، وقتی رشته‌ای را سه‌هجایی می‌نامیم منظور این است که از این رشته تنها رکن‌های سه‌هجایی قابل استخراج‌اند، که بر اساس تکرار هر کدام از آنها خانواده وزنی به دست می‌آید.

ب) تمامی رشته‌ها با هجای کوتاه آغاز شده است.

ج) در صورت تساوی تعداد هجا، رشته‌ای مقدم شده که تعداد هجاهای بلند آن بیشتر از هجاهای کوتاه باشد. از این رو در رشته‌های سه‌هجایی، ابتدا رشته ۱ (U -) و پس از آن رشته ۲ (U U) آمده است. همچنین رشته ۳ (U - -) بر رشته ۴ (U U -) مقدم شده و نیز رشته ۸

(U - U -) که سه هجای بلند دارد، پیش از رشته ۹ (U - U -) که دو هجای بلند بیشتر ندارد آمده است.

(د) اگر رشته‌ای علاوه بر هجای کوتاه نخست دارای هجای کوتاه دیگری باشد، رشته‌ای مقدم شده که دارای دو هجای کوتاه متوالی است، یعنی در صورت تساوی تعداد هجاهای کوتاه و بلند، دو کوتاه متوالی بر دو کوتاه متناوب مقدم شده است. از این رو رشته ۴ (U U -) - پیش از رشته ۵ (U - U -)، و رشته ۷ (U U - -) پیش از رشته ۸ (U - U -) آمده است.

۴) علامت «U\*» نشان‌دهنده امکان ظهور خانواده وزنی بر اساس قاعده تفرع وزنی در هریک از رشته‌های وزنی تعیین شده است (نک. مبحث ۳-۲ همین مقاله).

**نکته ۱:** اگر دقت شود میان رشته‌های سه‌هجایی و چهارهجایی ارتباطی وجود دارد، به طوری که اولین و دومین رشته چهارهجایی مانند اولین و دومین رشته سه‌هجایی است جز اینکه یک هجای بلند پایانی به آن افزوده شده است. این ارتباط در ترتیب رشته‌های پنج‌هجایی نیز دیده می‌شود؛ یعنی ترتیب رشته‌های پنج‌هجایی مانند ترتیب رشته‌های چهارهجایی است اما یک هجای بلند پایانی اضافه دارد. این هم دلیل دیگری است که رشته نهم (U - U U -) را بعد از رشته هشتم (U - U -) بیاوریم:

رشته‌های سه‌هجایی	رشته‌های چهارهجایی	رشته‌های پنج‌هجایی
۱. U - - ←	۳. U - - - ←	۶. U - - - -
۲. U U - ←	۴. U U - - ←	۷. U U - - -
	۵. U - U - ←	۸. U - U - -
		۹. U - U U -

همان‌طور که ملاحظه می‌شود میان رشته‌های (۱) و (۳) و (۶) نوعی ارتباط وجود دارد؛ به همین دلیل برای رشته‌های سه‌هجایی و چهارهجایی و پنج‌هجایی نخستین رشته به شمار آمده‌اند.

**نکته ۲:** چنان‌که می‌بینیم رشته‌های هشت‌هجایی (۱۰) و (۱۱) در واقع همان دایره

نجفی‌اند و خانواده‌های وزنی متناوب‌الارکان را شامل می‌شوند. نجفی (۱۳۹۴: ۱۶۶) پیش‌ازاین نقطه آغاز در این دایره را «U - U» (مفاعِلن) قرار داده بود و در نتیجه نخستین خانواده وزنی از دایره در خلاف جهت عقربه‌های ساعت «مفاعِلن فعلاَتن» و نخستین خانواده وزنی از دایره در جهت عقربه‌های ساعت «مفاعِلن مفتعلن» بود. اما در کتاب اخیر او، نقطه شروع این دو رشته با جدول طبقه‌بندی پیشنهادی ما، همخوانی بیشتری دارد، به طوری که هر دو رشته با دو هجای کوتاه آغاز می‌شوند، یعنی نخستین رشته هشت‌هجایی «فعلاَتن مفاعِلن...» و رشته بعدی «فعلاَت فعلاَتن...» است.

**نکته ۳:** نشانه تمامی رشته‌های وزنی برای خانواده‌های متفق‌الارکان، تک‌رقمی (از ۱ تا ۹) است که به نوعی بیانگر این است که وزن‌های حاصل از این رشته‌ها از تکرار یک رکن به دست می‌آید. در صورتی که رشته‌های وزنی برای خانواده‌های متناوب‌الارکان دورقمی (۱۰ و ۱۱) درآمده است، که به نوعی بیانگر متناوب بودن این دو رشته وزنی است و وزن‌های حاصل از این دو رشته از تناوب دو رکن به دست می‌آید. در نتیجه برخلاف روش نجفی، نیازی ندیدیم ابتدا برای تمایز متفق‌الارکان از متناوب‌الارکان نشانه خاصی در نظر بگیریم؛ همین که عدد نخست تک‌رقمی باشد با متفق‌الارکان سروکار داریم و اگر عدد نخست ۱۰ یا ۱۱ باشد حکایت از خانواده وزنی متناوب‌الارکان خواهد داشت.

یادآوری می‌شود که این اعداد نمایانگر جایگاه هر خانواده وزنی در دستگاه عروضی است و ارزش طبقه‌بندی دارد و در آموزش وزن‌های شعری، الزامی به دانستن نشانه عددی خانواده وزنی وجود ندارد. بنابراین، بر اساس جدول طبقه‌بندی، هر خانواده وزنی با دو عدد معرفی می‌شود: عدد نخست (از راست به چپ)، که از ردیف عمودی گرفته می‌شود، بیانگر رشته وزنی؛ و عدد دوم که از ردیف افقی گرفته می‌شود، بیانگر خانواده وزنی است. برای مثال، از ترکیب یک هجای کوتاه و دو بلند، رکن‌های فعولن (U - -)، مفعول (U - -) و فاعلن (- U -) به دست می‌آید که در درون یک رشته یا دایره می‌گنجند. بنابراین از رشته ۱: ۱ ۲ ۳ ... سه خانواده وزنی به دست می‌آید: خانواده فعولن (۱. ۱)، خانواده مفعول (۱. ۲)، خانواده فاعلن (۱. ۳).

در اینجا بر اساس جدول طبقه‌بندی، در جدول‌های زیر تمامی خانواده‌های وزنی مستخرج از هر رشته را با ذکر ترتیب و ترکیب هجایی آورده‌ایم:

### خانواده‌های وزنی مستخرج از رشته‌های وزنی سه‌هجایی

ترکیب هجایی	ترتیب هجایی	خانواده وزنی	نشانه عددی
یک کوتاه و دو بلند	U --	فعلون	۱. ۱
	U --	مفعول <sup>۱</sup>	۲. ۱
	- U -	فاعِلن	۳. ۱
دو کوتاه و یک بلند	- U U	فِعلِن	۱. ۲
	U - U	فِعول <sup>۱</sup>	۲. ۲
	U U -	فاعِل <sup>۱</sup>	۳. ۲

### خانواده‌های وزنی مستخرج از رشته‌های وزنی چهارهجایی

ترکیب هجایی	ترتیب هجایی	خانواده وزنی	نشانه عددی
یک کوتاه و سه بلند	--- U	مفاعیلن	۱. ۳
	U ---	مفعولات <sup>۱</sup>	۲. ۳
	- U --	مستفعلن	۳. ۳
	-- U -	فاعلاتن	۴. ۳
دو کوتاه و دو بلند <u>متوالی</u>	-- U U	فاعلاتن	۱. ۴
	U -- U	مفاعیل <sup>۱</sup>	۲. ۴
	U U --	مستفعل <sup>۱</sup>	۳. ۴
	- U U -	مفتعلن	۴. ۴
دو کوتاه و دو بلند <u>متناوب</u>	- U - U	مفاعِلن	۱. ۵
	U - U -	فاعلات <sup>۱</sup>	۲. ۵

### خانواده‌های وزنی مستخرج از رشته‌های وزنی پنج‌هجایی

ترکیب هجایی	ترتیب هجایی	خانواده وزنی	نشانه عددی
یک کوتاه و چهار بلند	U - - - -	مفاعلاتن	۱. ۶
	U - - - -	مستفعلیات	۲. ۶
	- U - - -		۳. ۶
	- - U - -	مستفعلاتن	۴. ۶
	- - - U -	فاعلیاتن	۵. ۶
دو کوتاه متوالی و سه بلند	- - - U U	فعلیاتن	۱. ۷
	U - - - U		۲. ۷
	U U - - -		۳. ۷
	- U U - -	مستفعلتن	۴. ۷
	- - U U -	مفتعلاتن	۵. ۷
دو کوتاه متناوب و سه بلند	- - U - U	مفاعلاتن	۱. ۸
	U - - U -	فاعلیات	۲. ۸
	- U - - U	مفاعیلتن	۳. ۸
	U - U - -	مستفعلات	۴. ۸
	- U - U -	مستفاعلن	۵. ۸
سه کوتاه و دو بلند متناوب	- U - U U	متفاعلن	۱. ۹
	U - U - U	مفاعلات	۲. ۹
	U U - U -	فاعلاتنک (=) مستفاعلن	۳. ۹
	- U U - U	مفاعلتن	۴. ۹
	U - U U -	مفتعلات	۵. ۹

خانواده‌های وزنی مستخرج از رشته‌های وزنی هشت‌هجایی  
(خانواده‌های وزنی متناوب‌الارکان، بر اساس دایره نجفی)

ترتیب هجایی	خانواده وزنی	نشانه عددی
- U - U - - U U	فاعلاتن مفاعِلن	۱. ۱۰
U - U - U - - U	مفاعیلُ فاعلاتُ	۲. ۱۰
U U - U - U - -	مستفعلن مفاعلُ	۳. ۱۰
- U U - U - U -	فاعلاتُ مفتعلن	۴. ۱۰
- - U U - U - U	مفاعِلن فاعلاتن	۵. ۱۰
U - - U U - U -	فاعلاتُ مفاعیل	۶. ۱۰
- U - - U U - U	مفاعلُ مستفعلن	۷. ۱۰
U - U - - U U -	مفتعلن فاعلاتُ	۸. ۱۰
- - U - U - U U	فاعلاتُ فاعلاتن	۱. ۱۱
U - - U - U - U	مفاعِلن مفاعیلُ	۲. ۱۱
U U - - U - U -	فاعلاتُ مستفعلُ	۳. ۱۱
- U U - - U - U	مفاعِلن مفتعلن	۴. ۱۱
U - U U - - U -	فاعلاتن فاعلاتُ	۵. ۱۱
- U - U U - - U	مفاعیلُ مفاعِلن	۶. ۱۱
U - U - U U - -	مستفعلُ فاعلاتُ	۷. ۱۱
- U - U - U U -	مفتعلن مفاعِلن	۸. ۱۱

از این رشته‌های وزنی ممکن است خانواده‌های وزنی‌ای استخراج شود که تاکنون شعری بر اساس آنها سروده نشده باشد و شاید هیچ‌گاه شاهد شعری برای آن یافت نشود، مانند خانواده - - - - U (مستفعلیات)، که شاید حتی نتوان برای آن رکنی قائل شد. البته این موضوع خللی در طبقه‌بندی وزن‌ها ایجاد نمی‌کند، چنان‌که در دایره‌های خلیل‌بن احمد نیز تعدادی بحر مهمل (بحرهای بدون شاهد شعری) دیده می‌شود. باید توجه داشت رکن‌هایی در جداول فوق آمده است که وزنی بر اساس تکرار آنها شکل نمی‌گیرد، ولی ممکن است یک یا چند وزن دوری در درون آن بگنجد. مانند مفتعلات (نک. نجفی، ۱۳۹۷: ۲۵۴).



همان‌طور که از جدول‌های تفصیلی بالا برمی‌آید، از جدول طبقه‌بندی وزن‌ها به لحاظ نظری ۵۲ خانواده وزنی قابل استخراج است: ۳۶ خانواده متفق‌الارکان و ۱۶ خانواده متناوب‌الارکان. از سوی دیگر هر خانواده وزنی این قابلیت را دارد که چندین وزن شعری را در خود جای دهد. شایسته ذکر است که همان‌طور که همه خانواده‌های وزنی محبوبیت یکسانی ندارند، وزن‌های یک خانواده وزنی نیز در نزد شاعران از محبوبیت یکسانی برخوردار نیستند. همچنین خلاقیت شاعران در عرصه وزن شعر، هم در عینیت بخشیدن به خانواده‌های وزنی‌ای است که پیش از آن بر آن شعری سروده نشده است و هم در سرودن شعر بر وزنی از وزن‌های یک خانواده وزنی‌ای است که پیشتر مورد استفاده نبوده است. که البته دست شاعر در مقوله دوم بازتر است. اگر از وزن معیار یک خانواده، به ترتیب هجای پایانی را حذف کنیم و پیش برویم، تمامی وزن‌های به‌وجود آمده، وزن‌های آن خانواده به شمار می‌آیند. گاهی نیز شاعران با افزودن یک یا چند هجا به وزن معیار، البته با رعایت ترتیب هجایی موجود در خانواده وزنی، وزن‌های جدیدی خلق می‌کنند. همچنین باید توجه داشت که هرگاه در وزن‌های به‌دست آمده، هجای پایانی وزن کوتاه باشد، باید آن را به هجای بلند تبدیل کنیم.

برای مثال، از خانواده فَعولن:

وزن معیار: فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن

۱. ۱۲. ۱. فَعولن ۱۲ هجایی: فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن

۱. ۱۱. ۲. فَعولن ۱۱ هجایی: فَعولن فَعولن فَعولن فعل

۱. ۱۰. ۲. ۱. فَعولن ۱۰ هجایی: فَعولن فَعولن فَعولن فع

حال اگر برای هر کدام از صورت‌های مذکور شاهد شعری وجود داشته باشد، آن وزن مستعمل است و اگر شاهد شعری یافت نشود، ممکن است روزی شاعری بر آن شعری بسراید.

### ۳-۱- وزن‌های دوری از منظر طبقه‌بندی وزن‌ها

شناخت وزن‌های دوری و ویژگی‌های آنها برای عروض‌آموز دارای اهمیت است و در صورت عدم شناخت ویژگی‌ها و شرایط وزن دوری، عروض‌آموز را در تعیین وزن آن با

دشواری مواجه می‌کند. در اینجا قصد نداریم که دربارهٔ مشخصات و شرایط وزن دوری سخن بگوییم، زیرا ابوالحسن نجفی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای مستقل با عنوان «وزن دوری، مشکلی که عروض قدیم آن را نادیده گرفته است» به تفصیل به این موضوع پرداخته است. اما باید دانست که جایگاه وزن دوری در طبقه‌بندی وزن‌ها چگونه تعیین می‌شود و چگونه در جدول طبقه‌بندی می‌گنجد. نکتهٔ قابل‌توجه این است که هر وزن دوری باید در یکی از خانواده‌های وزنی موجود در جدول جای گیرد، و نباید تصور شود که وزن دوری خانوادهٔ مستقلی می‌طلبد. برای مثال، اگر با وزن زیر مواجه شویم:

وقت درو کردن گل شد کار به فردا مگذارید داس بجوید و بیاید لاله به صحرا مگذارید

(بههانی، ۱۳۸۵: ۷۴۸)

-- UU -- UU -- // -- UU -- UU - -- UU -- UU -- // -- UU -- UU -

این وزن یا باید در گروه نخست یعنی متفوق‌الارکان و یا در گروه دوم یعنی متناوب‌الارکان جای گیرد. با توجه به ترتیب هجایی موجود، رکن‌بندی مناسب، جدا کردن هجاها به صورت چهارتایی است، که بر اساس آن وزن زیر به دست می‌آید: مفتعلن مفتعلن فع // مفتعلن مفتعلن فع. به این ترتیب، این وزن در خانوادهٔ وزنی مفتعلن قرار می‌گیرد که می‌توان آن را «مفتعلن ۱۸ هجایی دوری» (۴. ۴. ۹ (۲)) نامید. آنچه باید در رکن‌بندی وزن‌های دوری در نظر گرفت آن است که رکن‌بندی چنان باشد که وزن مذکور در خانواده ای بگنجد، نه اینکه چنان رکن‌بندی شود که وزن به صورت جزیره‌ای باشد که نتوان رابطه ای میان آن و خانواده‌های وزنی پیدا کرد. برای مثال، در آرایش هجایی زیر:

--- UU -- // --- UU --

اگر این آرایش هجایی را به صورت عروض سنتی یعنی «مفعولُ مفاعیلن // مفعولُ مفاعیلن» رکن‌بندی کنیم، مشخص نیست که این وزن در کجای دستگاه عروضی قرار می‌گیرد، زیرا نه بر اساس تکرار یک رکن و نه بر اساس تناوب دو رکن منطبق با دایرهٔ نجفی است. حال اگر آن را به صورت زیر رکن‌بندی کنیم:

(مستفعلُ مفعولن // مستفعلُ مفعولن) --- / UU -- // --- / UU --

وزن مذکور در خانوادهٔ وزنی مستفعل<sup>۴</sup> (۴. ۳) قرار می‌گیرد که رکن دوم آن رکن ناقصی از مستفعل<sup>۴</sup> است، به این ترتیب که هجای پایانی آن حذف شده و هجای کوتاه باقی مانده به بلند تبدیل شده است: مستفعل<sup>۴</sup>: مستفع: مستفعل<sup>۴</sup> = مفعولن.

همچنین وزن «- - U - U - - // - - U - U - -» را باید به صورت «مستفعلن فعولن // مستفعلن فعولن» تقطیع کنیم و نه «مفعول<sup>۴</sup> فاعلاتن // مفعول<sup>۴</sup> فاعلاتن». با تقطیع پیشنهادی، وزن مذکور در خانوادهٔ متناوب‌الارکان قرار می‌گیرد، یعنی خانوادهٔ «مستفعلن مفاعل<sup>۴</sup>» (۱۰. ۳) که در آن فعولن رکن ناقصی از مفاعل<sup>۴</sup> است: مفاعل<sup>۴</sup>: مفاع: مفاعل<sup>۴</sup> = فعولن.

حال این پرسش مطرح می‌شود که با آرایش هجایی زیر چه باید کرد: «- - U - - U - - // - - U - - U - -». چنان‌که می‌دانیم این وزن را غالباً به صورت «مستفعلن فاعلاتن // مستفعلن فاعلاتن» تقطیع کرده‌اند. اما مشکل این رکن‌بندی آن است که نمی‌توان با آن جایگاه این وزن را در دستگاه عروضی تعیین کرد، زیرا در این رکن‌بندی نه تکرار و نه تناوب (بر اساس دایرهٔ نجفی) دیده می‌شود. در حالی که اگر این آرایش هجایی را به صورت «مفعول<sup>۴</sup> مفعول<sup>۴</sup> فعلن // مفعول<sup>۴</sup> مفعول<sup>۴</sup> فعلن» (مفعو = فعلن) تقطیع کنیم، در خانوادهٔ مفعول<sup>۴</sup> (۱. ۲) قرار می‌گیرد.

### ۳-۲- وزن‌های مستخرج از قاعدهٔ تفرع وزنی از منظر طبقه‌بندی

یکی از مهم‌ترین یافته‌های ابوالحسن نجفی در اواخر عمر خود، این نکتهٔ بسیار ظریف است که تمامی وزن‌های متفق‌الارکان و متناوب‌الارکان، که رکن اول آنها با ترتیب هجایی «U - U» آغاز می‌شود، می‌توانند به «- - U» تبدیل شوند. اگرچه این امر قاعدهٔ تکرار یا تناوب را نقض می‌کند، اوزان به دست آمده جزء وزن‌های مطبوع به شمار می‌آیند (نجفی، ۱۳۹۴: ۱۷۳). این همان قاعده‌ای است که نجفی آن را «نوعی تفرع وزن (یعنی - - U به جای U - U در آغاز مصراع)» می‌نامد (نجفی، ۱۳۹۷: ۲۱۵)، مانند مثال‌های زیر:

\* - مستفعلن فاعلاتن مفاعلن (← مفاعلن فاعلاتن مفاعلن: ۱۰. ۵. ۱۲)

\* - مستفعلن فاعلاتن فع (← مفاعلن فاعلاتن فع: ۱۰. ۵. ۹)

\* - مستفعلن فعلن // مستفعلن فعلن (← مفاعلن فعلن // مفاعلن فعلن: ۱۰. ۵. ۷ (۲))

\* - مستفعل<sup>۴</sup> مستفعلن فعولن (← مفاعل<sup>۴</sup> مستفعلن فعولن: ۱۰. ۷. ۱۱)

نکته مهم این است که وزن‌های فوق از جدول طبقه‌بندی قابل استخراج نیست، زیرا نه در گروه متفق‌الارکان جای می‌گیرند و نه متناوب‌الارکان. در وزن‌های بالا که بر اساس دایره نجفی، رکن اول و سوم مفاعِلن بوده است، رکن اوّل با تبدیل هجای کوتاه به هجای بلند به مستفعلن تبدیل شده و اصل تناوب نقض شده است، ولی بر اساس قاعده تفرع وزنی، وزن‌های مذکور مطبوع است و کم‌وبیش مورد توجه شاعران در سده‌های متعدّد بوده است. این وزن‌ها در خانواده وزنی مستقلی قرار می‌گیرند که در طبقه‌بندی وزن‌ها، بر اساس قاعده تفرع وزنی، در مقام وزنی فرعی و درعین‌حال مستقل، در همان خانواده وزنی اصلی آورده می‌شوند و آنها را با علامت ستاره (\*) مشخص می‌کنیم. این قاعده در خانواده‌های وزنی - خواه متفق‌الارکان و خواه متناوب‌الارکان - که رکن اوّل آنها «مفاعِلن، مفاعل، مفاعلاتن» و یا «مفاعلتن» باشد قابل اعمال است. برای روشن شدن موضوع مثالی می‌آوریم: در خانواده وزنی مفاعِلن فعلاتن (۵.۱۰) که در جدول با ترتیب هجایی «U - U\*» آغاز شده، قاعده تفرع وزنی قابل اعمال است که از آن خانواده وزنی «مستفعلن فعلاتن مفاعِلن فعلاتن» (\*) (۵.۱۰) به دست می‌آید. این خانواده وزنی بر اساس قاعده تفرع وزنی، خانواده فرعی برای «مفاعِلن فعلاتن» به شمار می‌آید که درعین‌حال خانواده وزنی مطبوعی قلمداد می‌شود. نباید فراموش کرد که در وزن‌های مستخرج از این خانواده، رکن سوم باید به صورت اصل خود یعنی «مفاعِلن» باشد، مگر آنکه وزن مورد نظر دوری باشد که در این صورت قاعده تفرع وزنی در ابتدای هر نیم‌مصراع اعمال می‌شود. چند وزن از خانواده وزنی مذکور که نجفی برای هر یک از آنها شاهد آورده است:

(۱۲.۵.۱۰\*) مستفعلن فعلاتن مفاعِلن ← مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن: ۱۲.۵.۱۰

(۱۱.۵.۱۰\*) مستفعلن فعلاتن فعولن ← مفاعِلن فعلاتن فعولن: ۱۱.۵.۱۰

(۹.۵.۱۰\*) مستفعلن فعلاتن فع ← مفاعِلن فعلاتن فع: ۹.۵.۱۰

(۱۰.۵.۱۰\*) مستفعلن فعلاتن فع // مستفعلن فعلاتن فع ← مفاعِلن فعلاتن فع // مفاعِلن فعلاتن فع:

۱۰.۵.۱۰ (۲)

(۱۰.۵.۱۰\*) مستفعلن فعلاتن // مستفعلن فعلاتن ← مفاعِلن فعلاتن // مفاعِلن فعلاتن:

۱۰.۵.۱۰ (۲)

(\*۱۰. ۵. ۷. ۲) مستفعلن فعلم // مستفعلن فعلم ← مفاعلم فعلم // مفاعلم فعلم: ۱۰. ۵. ۷. ۲

### ۳-۳- وزن‌های مختلف‌الارکان از منظر طبقه‌بندی

در اشعار فارسی، چه در کتاب‌های عروضی و چه در دیوان برخی شاعران، وزن‌هایی آمده است که نه در خانواده‌های وزنی مستخرج از جدول طبقه‌بندی می‌گنجد و نه با قاعده تفرع وزنی قابل توجیه‌اند؛ همچنین وزن دوری نیز نیستند که در یکی از خانواده‌های وزنی مندرج در جدول قرار گیرند. این وزن‌ها مختلف‌الارکان‌اند که در واقع شاعر برای تفنن چندبیتی بر آن طبع‌آزمایی کرده است و یا عروضدانی به‌عنوان شاهد شعری، تکبیتی بر آن ساخته است. گستره این طبع‌آزمایی البته وسیع است. واقعیت آن است که نه می‌توان وجود چنین وزن‌هایی را در شعر فارسی انکار کرد و نه تاکنون نظام عروضی‌ای طراحی شده است که تمامی وزن‌های محتمل را در خود جای دهد. بنابراین چنین وزن‌هایی از جدول طبقه‌بندی وزن‌ها قابل استخراج نخواهند بود.

### ۳-۴- وزن‌های ایقاعی و جدول طبقه‌بندی

در شعر فارسی وزن‌هایی به کار رفته که تنها از هجاهای بلند تشکیل شده است. وحیدیان کامیار (۱۳۶۳) ضمن مقاله مستقلی به این نوع اوزان و ویژگی‌های آنها پرداخته و نام «اوزان ایقاعی» را برای آنها پیشنهاد کرده است. این نوع اشعار هرچند باعث تنوع هرچه بیشتر در وزن شعر فارسی شده، ولی همواره پرسش‌هایی را برای عروضیان به همراه داشته و هنوز نیز سخن‌نمایی درباره آنها گفته نشده است. یکی از مسائل مربوط به چنین وزن‌هایی، تعیین مکان مناسب آنها در دستگاه طبقه‌بندی وزن بوده است. در جدول طبقه‌بندی پیشنهادی ما جایی به چنین وزن‌هایی اختصاص نیافته است، زیرا تمامی رشته‌های مذکور در جدول، متشکل از دو نوع هجای کوتاه و بلند است، درحالی‌که در وزن‌های ایقاعی هجای کوتاه وجود ندارد که منجر به تشکیل یک رشته یا دایره گردد. ما در طرح نخستین جدول طبقه‌بندی، رشته ۱۲ را به رشته‌ای با چهار هجای بلند متوالی (مفعولاتن) اختصاص داده بودیم، ولی به دلیل فقدان هجای کوتاه، عملاً ردیف افقی

جدول بی‌معنا می‌شد و در هر صورت بیش از یک خانوادهٔ وزنی از آن قابل استخراج نبود به همین دلیل آن را از جدول خارج کردیم.

به نظر ما در کنار رکن‌های عروضی که از جدول طبقه‌بندی استخراج شد، می‌توان رکنی به صورت «مفعولاتن» را در نظر گرفت و آن را یک خانوادهٔ وزنی به شمار آورد و رکن‌هایی مانند «مفعولن»، «فعلن» و «فع» را به عنوان رکن ناقص آن در نظر گرفت و از ترکیب آنها وزن‌های منتسب به این خانواده را استخراج کرد.

#### ۴- جدول فرمول‌های وزن‌های مطبوع شعر فارسی

در اینجا برای تمامی وزن‌هایی که از جدول طبقه‌بندی قابل استخراج است، فرمول‌هایی ارائه می‌شود. در این جدول نشانه‌های «الف» (A) و «ب» (B) نشانهٔ رکن‌های اصلی، و نشانه‌های «الف» (a) و «ب» (b) نشانهٔ رکن‌های ناقص است:

AAA	الف الف الف <sup>۲</sup>	وزن‌های معیار از متفق‌الارکان:
ABAB	الف ب الف ب <sup>۳</sup>	وزن‌های معیار از متناوب‌الارکان:
1. nA (1 ≤ n ≤ 6) 2. nA+a (1 ≤ n ≤ 5)	۱. الف ... + الف ۲. الف ... + الف	وزن‌های مورد کاربرد از گروه متفق‌الارکان:
1. ABAB 2. ABAb 3. ABA	۱. الف ب الف ب ۲. الف ب الف ب ۳. الف ب الف	وزن‌های مورد کاربرد از گروه متناوب‌الارکان:

۲. تمامی رکن‌های اصلی (سه‌هجایی، چهارهجایی، پنج‌هجایی) که از رشته‌های ۱ تا ۹ قابل استخراج‌اند (خانواده‌های متفق‌الارکان)، می‌توانند در این فرمول مصداق «الف» (A) باشند. اما رکن‌هایی مانند «فاعلاتن» و «مفاعله» که اساساً از رشته‌های وزنی ۱-۹ استخراج نمی‌شوند، نمی‌توانند مصداق «الف» (A) باشند.

۳. در خانواده‌های وزنی متناوب‌الارکان (مستخرج از دو رشتهٔ ۱۰ و ۱۱) رکن‌هایی که می‌توانند جایگزین «الف» (A) یا «ب» (B) شوند، فقط ۱۰ رکن از رکن‌های چهارهجایی هستند که به صورت زیر در کنار هم قرار می‌گیرند:

- فاعلاتن مفاعله، مفاعله فاعلاتن، مستفعلن مفاعل، فاعلاتن مفتعلن (به همراه مقلوب آنها).
- فاعلاتن فاعلاتن، مفاعله مفاعله، فاعلاتن مستفعلن، مفاعله مفتعلن (به همراه مقلوب آنها).

4. ABa	۴. الف ب الف	
5. AB	۵. الف ب	
6. Ab	۶. الف ب	
1. AAa\\ AAa 2. Aa\\ Aa	۱. الف الف الف // الف الف الف ۲. الف الف // الف الف	وزن‌های دوری متفق‌الارکان:
1. ABa\\ ABa 2. Ab\\ Ab	۱. الف ب الف // الف ب الف ۲. الف ب // الف ب	وزن‌های دوری متناوب‌الارکان:

جدول فرمول خانواده‌های وزنی بر اساس قاعده تفرع وزنی به شرح زیر است. یادآوری می‌شود که در این جدول، نشانه «آلفا» (A') نشانه رکن جایگزین «الف» (A) بر اساس قاعده تفرع وزنی است:

*A' A A A	* آلفا الف الف الف	وزن‌های معیار از متفق‌الارکان:
*A' B A B	* آلفا ب الف ب	وزن‌های معیار از متناوب‌الارکان:
1. *A' A a\\ A' A a 2. *A' a\\ A' a	۱. * آلفا الف الف // آلفا الف الف ۲. * آلفا الف // آلفا الف	وزن‌های دوری متفق‌الارکان:
1. *A' B a\\ A' B a 2. *A' b\\ A' b	۱. * آلفا ب الف // آلفا ب الف ۲. * آلفا ب // آلفا ب	وزن‌های دوری متناوب‌الارکان:

۴. در وزن‌های متفق‌الارکان، به لحاظ نظری، رکن‌های اصلی که می‌توانند مصداق «الف» (A) باشند عبارت‌اند از: فعول، مفاعیل، مفاعلاتن، مفاعلات، مفاعلتن. بنابراین مصداق «آلفا» (A') رکن‌های زیر است: مفعول، مستفعلن، مستفعلاتن، مستفعلات، مستفعلتن.

۵. در وزن‌های متناوب‌الارکان، تنها رکن‌های اصلی که می‌توانند مصداق «الف» (A) باشند عبارت‌اند از: مفاعیل، مفاعیل، بنابراین، مصداق «آلفا» (A') رکن‌های زیر است: مستفعلن، مستفعل. این فرمول در خانواده وزنی متناوب‌الارکان مستخرج از جدول، قابل اعمال است: مفاعیل فعاتلتن (۵. ۱۰)، مفاعیل مستفعلن (۷. ۱۰)، مفاعیل (۲. ۱۱)، مفاعیل مفعلتن (۴. ۱۱).

## ۵- روش نام‌گذاری وزن‌ها

از ایراداتی که بر روش نجفی وارد است یکی این است که او در اغلب موارد خانواده وزنی و وزن را به یک معنا به کار می‌برد. مهم‌تر از آن، برای وزن‌های مستخرج از یک خانواده وزنی نامی اختیار نمی‌کند.

بر اساس جدول طبقه‌بندی وزن‌ها تنها می‌توان نشانه عددی یک خانواده وزنی را تعیین کرد. حال اگر تعداد هجاهای وزن (البته با در نظر گرفتن وزن اصلی و نه وزن تقطیعی) به نشانه عددی خانواده افزوده شود، مشخصات دقیق وزن به دست می‌آید. نشانه عددی وزن، ما را در طبقه‌بندی وزن‌ها یاری می‌رساند، چنان‌که در مثال زیر می‌بینیم:

۱. ۱. ۱۲ (۱. رشته وزنی، ۱. خانواده وزنی، ۱۲. تعداد هجا): فعولن فعولن فعولن

پیش‌ازاین الول ساتن این روش را به کار بسته بود اما به مذاق فارسی‌زبانان خوش نیامد. الول ساتن بر اساس جدولی که برای طبقه‌بندی پیشنهاد کرده بود هر وزن را با سه عدد مربوط به رشته و بحر و تعداد هجا مشخص می‌کرد. او همچنین وزن‌های دوری را هم با ذکر تعداد هجای نیم‌مصراع و عدد (2) نشان می‌داد.

مهم‌ترین دلیل برای عدم استقبال از روش الول ساتن به اشکالات اساسی موجود در اصل جدول او بازمی‌گشت، به‌طوری‌که او از ۱۴ رشته وزنی، ۹ رشته را در مجموعه بی‌قاعده (irregular) قرار داده بود. از طرف دیگر الول ساتن روش خود را بی‌نیاز از رکن‌های عروضی می‌دانست و برای نام‌گذاری از شیوه سنتی استفاده می‌کرد — که خود نیز به آن باور نداشت. البته ایرادات دیگری هم بر روش او وارد است، از جمله عدم تشخیص درست وزن‌های دوری که به همین دلیل نجفی مجبور شد پیش از نقد روش او به تفصیل به وزن دوری بپردازد.

هرچند روش ما شباهت زیادی به روش الول ساتن دارد، ولی در جدول ارائه شده، ایرادات روش وی رفع گردیده است. همچنین کارکرد عدد اول و دوم تنها برای طبقه‌بندی است و در آموزش عروض نیازی نیست که نشانه عددی وزن به خاطر سپرده شود، بلکه تنها کافی است خانواده وزنی را جایگزین عدد اول و دوم بکنیم. از نظر ما مناسب‌ترین



روش نام‌گذاری وزن، داخل کردن رکن عروضی در نام‌گذاری است، همان‌طور که در تعیین خانوادهٔ وزنی نیز از رکن عروضی بهره گرفتیم، مانند خانوادهٔ وزنی «فعولن» یا «فاعلاتن» یا «مستفاعلن». در وزن‌های متفوق‌الارکان، همان یک رکن در نام‌گذاری آورده می‌شود و در وزن‌های متناوب‌الارکان، باید دو رکن را در نام‌گذاری آورد.

برای تعیین هر وزن از خانوادهٔ وزنی، کافی است تعداد هجای آن وزن (با لحاظ اختیارات شاعری، یعنی با در نظر گرفتن وزن اصلی و نه وزن تقطیعی) مشخص شود که این نیز به رجوع به جدول یا حافظه نیاز ندارد. بنابراین، تعداد هجا معرف یک وزن در میان اوزان آن خانوادهٔ وزنی خواهد بود. یادآوری می‌شود که دانستن رکن‌های ناقص در تعیین تعداد هجاهای هر وزن حائز اهمیت است (برای شرح بیشتر دربارهٔ رکن ناقص، نک. قهرمانی مقبل، ۱۳۹۷). اکنون برای نمونه نام تعدادی از وزن‌ها را بر پایهٔ این روش می‌آوریم:

نشانهٔ عددی وزن ۶	نام وزن	وزن بر اساس ارکان
۱۲.۱.۱	فعولن ۱۲ هجایی	فعولن فعولن فعولن فعولن -- U / -- U / -- U / -- U
۱۱.۱.۱	فعولن ۱۱ هجایی	فعولن فعولن فعولن فعل - U / -- U / -- U / -- U
۱۰.۳.۱	فاعلن ۱۰ هجایی	فاعلن فاعلن فاعلن فع - / - U - / - U - / - U -
۱۳.۳.۳	مستفاعلن ۱۳ هجایی	مستفاعلن مستفاعلن مستفاعلن فع - / - U - - / - U - - / - U - -
۱۷.۴.۳	فاعلاتن ۱۷ هجایی	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فع - / - - U - / - - U - / - - U - / - - U -
۱۵.۴.۳	فاعلاتن ۱۵ هجایی	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن - U - / - - U - / - - U - / - - U -

۱۳.۳.۴	مستفعل <sup>۱۳</sup> هجایی (رباعی)	مستفعل <sup>۱۳</sup> مستفعل <sup>۱۳</sup> مستفعل <sup>۱۳</sup> فع - / U U - - / U U - - / U U - -	۷
(۲) ۷.۳.۴	مستفعل <sup>۱۴</sup> هجایی دوری	مستفعل <sup>۱۴</sup> مفعولن // مستفعل <sup>۱۴</sup> مفعولن - - - / U U - - // - - - / U U - -	۸
(۲) ۷.۲.۴	مفاعیل <sup>۱۴</sup> هجایی دوری	مفاعیل <sup>۱۴</sup> فاعولن // مفاعیل <sup>۱۴</sup> فاعولن - - U / U - - U // - - U / U - - U	۹
۱۴.۳.۱۰	مستفعلن <sup>۱۴</sup> مفاعل <sup>۱۴</sup> هجایی	مستفعلن <sup>۱۴</sup> مفاعل <sup>۱۴</sup> مستفعلن <sup>۱۴</sup> فعل - U / - U - - / U U - U / - U - -	۱۰
۱۳.۸.۱۰	مفتعلن <sup>۱۳</sup> فاعلات <sup>۱۳</sup> هجایی	مفتعلن <sup>۱۳</sup> فاعلات <sup>۱۳</sup> مفتعلن <sup>۱۳</sup> فع - / - U U - / U - U - / - U U -	۱۱

البته می‌توان تعداد رکن‌ها را نیز به نام‌گذاری افزود، این امر هرچند باعث طولانی شدن نام وزن می‌شود، ولی ذهن را در یافتن رکن‌بندی یاری می‌رساند، مثلاً می‌توان گفت: فاعولن<sup>۱۱</sup> چهاررکنی ۱۱ هجایی. البته پیشنهاد ما این است که چهاررکنی بودن وزن را پیش‌فرض قلمداد کنیم تا نیازی به ذکر آن نباشد و در صورت مغایرت وزن با این پیش‌فرض تعداد رکن را در نام‌گذاری بیاوریم. برای مثال، وزن «مفاعیلن مفاعیلن فاعولن» (U / - - - U / - - - U - -)، «مفاعیلن سه‌رکنی ۱۱ هجایی» نام‌گذاری می‌شود.

شاید تصور شود که می‌توان مانند الول ساتن از عروض سنتی برای نام‌گذاری استفاده کرد. برای مثال، می‌توان وزن نخست را متقارب و یا وزن سوم را متدارک نامید. اما در اینجا چند مشکل بروز می‌کند:

— از آنجاکه عروض سنتی برخی از رکن‌های اصلی را مشتق از دیگر رکن‌ها دانسته است، گاهی یک نام، چند خانواده وزنی را شامل می‌شود، برای مثال، خانواده‌های وزنی مستفعلن، مفتعلن، مفاعلن، مفتعلن مفاعلن همگی در بحر رجز قرار می‌گیرند، درحالی‌که هرکدام مستقل از دیگری است. این مشکل در اصطلاحات رمل و هزج و متقارب نیز وجود دارد.

— همان‌طور که دیدیم، بر اساس جدول طبقه‌بندی، ۵۲ خانواده وزنی قابل استخراج

است، که از میان آنها بیش از ۴۲ خانواده در شعر فارسی فعال بوده‌اند. اما بسیاری از این خانواده‌ها، و نیز خانواده‌های وزنی دیگری که در دوره‌های متأخر شاعران بر آنها شعر سروده‌اند، بر مبنای عروض سنتی قابل شناسایی نیستند و نمی‌توان آنها را نام‌گذاری کرد، مانند خانواده‌های وزنی حاصل از تکرار «مفعول، مفاعلاتن، مفتعلاتن، مستفاعلن».

— مشکل دیگر این است که نام‌گذاری عروض سنتی بر اساس بیت است، درحالی‌که واحد وزن شعر فارسی مصراع است. بنابراین اصطلاحات مثنی و مسدس و مربع بی‌ثمر خواهد بود.

— اگر بپذیریم که به‌جای خانواده فاعلاتن، همان بحر رمل را به کار ببریم، برای تعیین یک وزن از وزن‌های آن به‌ناچار باید از اصطلاحات سنتی مانند محذوف و اصلم و احد و ... استفاده کنیم. در این صورت، برای نام‌گذاری وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» که شاعرانی مانند حسین منزوی و محمد قهرمان بر آن شعر سروده‌اند (نک. نجفی، ۱۳۹۷: ۸۶)، چه باید کرد؟ این وزن فراتر از مثنی است و عروض سنتی از نام‌گذاری آن ناتوان است. همچنین رکن ناقص آن «فع» است که شمس قیس (۱۳۶۰: ۶۲) آن را «مجحوف» و خواجه نصیر (۱۳۹۳: ۵۳) آن را «محذوف احد» و نیز «مخبون محذوف مطموس» نامیده است. درحالی‌که با روش پیشنهاد شده در این جستار، وزن مذکور «فاعلاتن ۱۷ هجایی» نامیده می‌شود.

همین عوامل باعث شده است که عروض جدید به‌کلی از نام‌گذاری وزن‌ها صرف‌نظر کند چنان‌که وحیدیان کامیار (۱۳۸۹: ۱۶) برای نام‌گذاری اوزان هیچ اعتبار علمی قائل نیست؛ و شمیسا (۱۳۹۴: ۷۶) نیز در این باره تصریح می‌کند: «در عروض سنتی دست و بال عروضی برای رکن‌بندی باز نیست، زیرا هر رکن‌بندی اسم خاصی پیدا می‌کند، حال آنکه ما در عروض علمی اساساً به مقوله نام‌گذاری معتقد نیستیم». اما نمی‌توان نام‌گذاری وزن‌ها را بی‌فایده دانست و به نظر می‌رسد که دلیل صرف‌نظر کردن عروض‌دانان جدید از نام‌گذاری، دشواری کار بوده است.

## نتیجه‌گیری

روش خلیل‌بن احمد در طبقه‌بندی وزن‌های شعر عربی، کارآمد بوده است و امروز نیز پاسخگوی اغلب مسائل عروض عربی است. در حوزه شعر فارسی، نجفی در سامان دادن به طبقه‌بندی وزن‌ها گام‌های مؤثری برداشته است، اما در روش او اشکالاتی به چشم می‌خورد.

«جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی»، که در این مقاله طراحی و ارائه شده مشتمل بر ۱۱ رشته وزنی است، به طوری که ۹ رشته نخست، خانواده‌های وزنی متفق‌الارکان اعم از سه‌هجایی و چهارهجایی و پنج‌هجایی (۳۶ خانواده وزنی)، را دربرمی‌گیرد و رشته‌های ۱۰ و ۱۱، که دربرگیرنده خانواده‌های وزنی متناوب‌الارکان است، شامل ۱۶ خانواده وزنی مستخرج از دایره نجفی است. لذا بر اساس این جدول، برای هر خانواده وزنی می‌توان یک نشانه عددی در نظر گرفت که جایگاه آن خانواده را در جدول نشان می‌دهد. عدد اول بیانگر رشته وزنی و عدد دوم بیانگر خانواده وزنی در ضمن آن رشته است. تمامی وزن‌های مستخرج از این خانواده‌های وزنی، وزن‌هایی است که نجفی آنها را وزن مطبوع به شمار آورده است.

وزن‌های دیگری در شعر فارسی دیده می‌شود که مطبوع هستند ولی در دو گروه متفق‌الارکان و متناوب‌الارکان قرار نمی‌گیرند. این وزن‌ها را در عین مستقل بودن، بر اساس قاعده تفرع وزنی، می‌توان یکی از فروع یک خانواده وزنی مستخرج از دایره به شمار آورد. قاعده تفرع وزنی شامل وزن‌هایی است که در آنها در رکن اول، ترتیب هجایی «- - U» جانشین «U - U» شده است.

ناکارآمدی عروض سنتی فارسی در رکن‌بندی، علاوه بر آشفتگی در طبقه‌بندی، منجر به آشفتگی در نام‌گذاری هم شده است. عروض جدید نیز به کلی از نام‌گذاری صرف‌نظر کرده است. ما در این نوشته روش جدیدی برای نام‌گذاری وزن‌ها پیشنهاد کرده‌ایم، به طوری که از رکن‌ها برای نام‌گذاری استفاده کرده‌ایم و از تعداد هجای وزن نیز در نام‌گذاری بهره برده‌ایم. سرانجام اینکه برای تمامی وزن‌های مستخرج از جدول، و نیز وزن‌های مبتنی بر قاعده تفرع وزنی، فرمول‌های مناسب ارائه کرده‌ایم.

## منابع

- ابن سینا، أبوعلی حسین بن عبدالله (۱۹۵۶)، *جوامع علم الموسیقی*، تحقیق زکریا یوسف و تصدیر و مراجعة أحمد فؤاد الإهوانی و محمود أحمد الحنفی، القاهرة: نشر وزارة التربية والتعليم.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۸۵)، *مجموعه اشعار*، چ ۳، تهران: نگاه.
- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۹۳)، *معیار الاشعار*، مقدمه و تصحیح و تعلیقات علی اصغر قهرمانی مقبل، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شمس قیس رازی (۱۳۶۰)، *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، تصحیح محمدبن عبدالوهاب قزوینی و تصحیح مجلد مدرس رضوی، چ ۳، تهران: کتاب‌فروشی زوآر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۴)، «عروض جدید، عروض قدیم، عروض عربی»، *وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز*، به کوشش امید طیب‌زاده، تهران: هرمس، ص ۷۵-۸۵.
- قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۸۹)، «من استدرک البحر المتدارک علی البحور الخلیلیّة»، *مجله دراسات فی اللغة العربیة و آدابها* (جامعتا سمنان و تشرین)، السنة الأولى، العدد ۳، خریف ۲۰۱۰، ص ۱۴۵-۱۷۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷)، «تعریف رکن ناقص و اهمیت آن در علم عروض جدید»، *وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز*، مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی وزن شعر فارسی و اشعار ایرانی، به کوشش امید طیب‌زاده، تهران: انتشارات نیلوفر، ص ۳۷-۵۷.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۵۹)، «درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی: بحث روش»، *مجله آشنایی با دانش* (دانشگاه آزاد ایران)، ش ۷، ص ۵۹۱-۶۲۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی (سخنرانی)»، *نخستین مجموعه سخنرانی‌های مشترک فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد ایران‌شناسی*، زیر نظر حسن حبیبی و به کوشش حسن قریبی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۱۰۳-۱۳۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، «وزن دوری: مشکلی که عروض قدیم آن را نادیده گرفته است»، *نامه فرهنگستان*، ش ۵۲، ص ۶-۱۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، *درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی*، تهران: انتشارات نیلوفر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷)، *طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی*، به همت امید طیب‌زاده، تهران: انتشارات نیلوفر.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۳)، «اوزان ایقاعی در شعر فارسی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، سال ۱۷، ش ۲، تابستان ۱۳۶۳، ص ۳۲۳-۳۴۸.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۹)، *فرهنگ اوزان شعر فارسی*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

يعقوب، اميل بديع (۱۹۹۱)، المعجم المفصل في علم العروض و التمايه و وزن الشعر، ط ۱، بيروت:

Elwell-Sutton, L. P. (1976), *The Persian Metres*, First edition, Cambridge:  
Cambridge University Press.